



هنر تدریس در اوج دقت و صلابت

آنچه در کلاس درس آیت الله العظمی میلانی می گذشت، فراتر از یک آموزش مرسوم بود. یک نمایش شکوهمند از تسلط، دقت و عمق اندیشه‌ای که شاگرد را مسحور خود می کرد. استاد چنان با صلابت و اطمینان، پیچیده ترین مباحث را می شکافت که گاهی پس از بیان یک نکته دقیق و بکر، برای آنکه شاگردان قدر آن گوهر گران بها را بدانند، بالحنی پدرا نه و مشفقانه می فرمودند: «خَذْ هَذَا الْعِلْمَ وَاعْتَنِمْهُ، فَإِذَا فَعَلْتَ، كُنْتَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، أَمِنَا فِي أَرْضِكَ، مُسْتَعِينًا، عَنْ غَيْرِكَ». یعنی «این علم را بگیر و غنیمت بشمار، که اگر چنین کنی، از شاکرین خواهی بود، در سرزمین خود در امان و از غیر خود بی نیاز خواهی شد». این جمله، نه از سر تفاخر، که از سر دلسوزی پدری مهربان بود که می خواست ارزش گنجینه‌ای را که با خون دل به دست آورده بود، به فرزندان علمی خود بنمایاند. اوج هنر آیت الله العظمی میلانی، اما در شیوه تدریس ایشان نهفته بود. آیت الله سیدان که محضر استاذ بزرگی را درک کرده بود، با تأکیدی خاص این وجه از شخصیت استاد را برجسته می کند: «من دروس بسیاری از بزرگان و مدرسین بنام قم را هم دیده بودم، اما ایشان در جهت تدریس، یک فوق العادگی داشتند. این امتیاز را در درس ایشان بسیار بیشتر و برجسته تر دیدم». این تمایز در چه بود؟ «ایشان درس را چنان القا می کردند که در همان زمان القای درس، به شاگرد فرصت تفکر و تحلیل می دادند. با ترتیب مقدماتی منطقی و سبکی خاص، مطلب را به گونه‌ای بیان می کردند که ذهن شاگرد کاملاً فعال و درگیر می شد.» خاطره‌ای ناب از همین کلاس درس، این هنر را به تصویر می کشد. آیت الله سیدان

نقل می کنند: «من و دوست فاضل و عزیزم، علامه محمدرضا حکیمی، کنار هم در درس نشسته بودیم. آقا در حال شرح یک بحث بسیار پیچیده و بررسی روایات متعدد بودند. با دقتی وصف ناشدنی و با تمام وجود تلاش می کردند تا مطلب را بشکافند و به جان کلام برسند. من که محو این مجاهدت علمی شده بودم، آهسته به آقای حکیمی گفتم: "آقای حکیمی! مجتهد شدن کار ساده‌ای نیست. ببینید آقا دارند از جان مایه می گذارند تا این مطلب را برای ما باز کنند." نگاه تیزبین استاد، این گفت و گوی کوتاه را در میان همه شاگردان شکار می کند: «ایشان متوجه ما شدند و با همان لحن خاص خود فرمودند: سید جعفر، حکیمی؛ من دارم جان می کنم، شما دارید صحبت می کنید؛ با نهایت ادب و احترام عرض کردیم: آقا! حرف ما هم دقیقاً در جهت همین فرمایش و عظمت تلاش شما بود.» این صحنه کوتاه، تابلویی زنده از یک کلاس درس حقیقی است؛ استادی که با تمام وجود برای کشف حقیقت می جنگد و شاگردانی که از عمق این مجاهدت علمی به وجد آمده‌اند.

کرامت و اخلاص؛ فراسوی علم و کتاب

این دقت و جدیت علمی، با اقیانوسی از تقوا، فروتنی و محبت به شاگردان همراه بود. شخصیت آیت الله میلانی در کلاس درس خلاصه نمی شد. ایشان پدری

معنوی برای طلاب بودند. آیت الله سیدان می گویند: «از نظر اخلاقی، تواضع و توجه ایشان به طلابی که خوب درس می خواندند، بی نظیر بود. افرادی که در تحصیل جدیت به خرج می دادند، همواره مورد تفقد، تأیید و تشویق خاص ایشان قرار می گرفتند.» این توجه، گاه جامه کرامت می پوشید و دل های نیازمند را بی آنکه سخنی بگویند، سیراب می کرد. آیت الله سیدان با حالتی خاص و با تأمل، خاطره‌ای را به یاد می آورد که نشان از بصیرت معنوی استاد دارد: «من و دو نفر دیگر از دوستان طلبه، در شرایطی بودیم که نیاز مالی داشتیم. صرفاً برای عرض ارادت و کسب فیض به محضرشان شرفیاب شدیم. از سر شرم و حیا، کلمه‌ای از نیازمان بر زبان نیاوردیم. هنگام خروج، ایشان هر سه نفر ما را جداگانه صدا زدند و به هر یک، دقیقاً همان مبلغی را که در دل به آن نیاز داشتیم، هدیه کردند.» این خاطره، پنجره‌ای است به روح بزرگ مردی که نه تنها به ذهن شاگردانش، که به قلب و نیازهایشان نیز آگاه بود.

درسی که میراث یک عمر شد

وقتی از آیت الله سیدان می پرسیم بزرگترین درسی که از آن عالم ربانی برای همیشه با خود به همراه دارید چیست، ایشان بی درنگ به همان جوهره اصلی شخصیت استاد اشاره می کنند. این میراث، مجموعه‌ای از قواعد فقهی یا نظریات اصولی نیست؛ بلکه یک روش زندگی علمی و یک منش اخلاقی است. ایشان در پایان کلامشان، عصاره هشت سال شاگردی را در یک جمله کلیدی خلاصه می کنند که خود، بهترین جمع بندی برای این روایت است: «حالت دقت داشتن در بیان مطلب، و مطلب را هر چه خوب تر بررسی و جمع کردن و با دقت فراوان ارائه دادن، درسی است که از آن زمان تا به الان همواره از آیت الله میلانی با خود به همراه داشته‌ام.» و این، همان راز جاودانگی عالمان است. آن دقت نظر، آن وسواس در فهم حقیقت و آن اخلاص در انتقال علم، بذری بود که آیت الله العظمی میلانی در جان شاگردانش کاشت و امروز پس از نیم قرن، به درختی تنومند بدل شده است. بزرگداشت یاد آیت الله العظمی میلانی بزرگداشت همین جریان زنده و پویای علم و اخلاق است؛ میراثی که نه در کتابخانه‌ها، بلکه در سینه شاگردان وفادارش می تپد و راه را برای نسل های آینده روشن می سازد. آن آفتاب، هرگز غروب نکرده است؛ بلکه در جان هر شاگردی که آن «درس دقت» را سر لوحه حیات علمی خود قرار داده، طلوعی دوباره و جاودانه داشته است.

ورود آیت الله میلانی به مشهد، معادلات علمی را تغییر داد. دیگر نیازی به هجرت نبود؛ زیرا «نجف به مشهد آمده بود». حضور علمی او در فضای حوزه خراسان مسیری تازه پیش روی طلاب جوان گشود

چکیده مطلب: این گفت و گو، روایتی است از شخصیت علمی و اخلاقی آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی، از زبان شاگرد برجسته اش آیت الله سید جعفر سیدان. تمرکز روایت بر جایگاه ممتاز علمی، شیوه کم نظیر تدریس و منش اخلاقی استاد است؛ عالمی که به تعبیر شاگردان، حضورش معادل انتقال نجف به مشهد بود. آیت الله سیدان، با نگاهی تحلیلی، از تسلط علمی، دقت در استنباط، و مجاهدت واقعی استاد در جلسه درس سخن می گوید و در کنار آن، به کرامت، تواضع و توجه انسانی او به طلاب اشاره می کند. درسی که از این هشت سال شاگردی به جا مانده، نه صرفاً مجموعه‌ای از مباحث فقهی، بلکه روش اندیشیدن، دقت در بیان و اخلاص در انتقال علم است؛ میراثی که همچنان زنده و اثرگذار باقی مانده است.